

## نقش آرمان‌گرایی سیاسی در رفتار سیاسی

### امیر المؤمنین علیه السلام از نگاه نهج البلاغه

#### مقدمه

اهداف و آرمان‌های یک فرد یا جامعه، سرلوحه حرکت فرد یا جامعه قرار می‌گیرد و پیروزی‌های مختلف، مرهون اتحاد و عزم جامعه در پیگیری آن آرمان‌هاست. به عکس عقبات‌دگی یک نظام و یا فرد می‌تواند چند عامل داشته باشد که مهم‌ترین آن‌ها؛ خلأ بی‌آرمانی، نداشتن عزم و اتحاد در پیگیری آرمان‌ها و فاصله بیش از اندازه آرمان‌ها تا واقعیت است و آرمان‌گرایی براساس نوع جهان‌بینی انسان‌ها شکل می‌گیرد. در حوزه سیاسی نیز اهداف و آرمان‌ها است که نظام و سیاست‌مداران را حرکت می‌دهد. از این رو اندیشمندان، فلسفه‌ها و اهدافی برای تشکیل حکومت ذکر کرده‌اند؛ از جمله توماس هابز، فلسفه تاسیس حکومت را رسیدن به صلح و آرامش می‌داند و پیروان نظریه اصالت سودمندی، هدف از تاسیس دولت را سودمندی و فایده آن در رساندن افراد به لذت می‌دانند. اما در نظام آفرینش براساس نظام احسن، انبیا الهی با جهان‌بینی توحیدی به دنبال هدف آفرینش و رساندن بشر به کمال حقیقی هستند که همان مقام خلیفه الهی و رهاسازی از بردگی اهداف پست و دنیاگرایی است. از این رو، اهداف تشکیل حکومت و روش برخورد انبیا و امیر المؤمنین علیه السلام دلسوزانه و برمدار تربیت انسان‌ها و رساندن آن‌ها به کمال و آرمان‌های فطری توحیدی است و اجرای عدالت، حدود، احقاق حق و سایر اهداف در حاکمیت دینی با همین هدف انجام می‌گیرد. بدین سبب، هرگز در پی رسیدن به منافع دنیایی و اهداف به ظاهر توحیدی از طریق باطل نیندیشیده‌اند و از این رو؛ هجرت، مبارزه و صلح و سکوت تنها برمدار آرمان‌های توحیدی است.

امیر المؤمنین علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «وَاللَّهُ مَا مُعَاوِيَةَ بِأَدْهَى مَنِي، وَ لَكِنَّهُ يَغْدِرُ وَ يَفْجُرُ. وَ لَوْ لَأَكْرَاهِيَهُ الْعَدْرُ لَكُنْتُ مِنَ أَذَى النَّاسِ، وَ لَكِنْ كُلُّ غَدْرَةٍ فُجْرَةٌ، وَ كُلُّ فُجْرَةٍ كُفْرَةٌ.» «وَ لِكُلِّ غَادِرٍ لَوَاءٌ يُعْرِفُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ به خدا سوگند! معاویه از من سیاستمدارتر نیست؛ اگر من از پیمان‌شکنی و خدعه و نیرنگ بیزار نبودم، از سیاستمدارترین مردم بودم، ولی هر پیمان‌شکن، فریبکاری گنهکار است و هر گنهکاری کافر است (کفر به معنی ترک اطاعت فرمان خدا) و هر غدار و مکاری در قیامت پرچم خاصی دارد که به وسیله آن شناخته می‌شود. (نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان؛ نص؛ ص ۴۹۴) و در جای دیگر می‌فرماید: از آن‌جا که گاه انحراف جامعه از اصول صحیح اخلاقی سبب دگرگون شدن ارزش‌ها می‌شود، تا آن‌جا که پیمان‌شکنی و فریب و نیرنگ را نوعی ذکاوت و هوشیاری می‌شمرند و پایبند بودن به عهد و پیمان را ساده‌لوحی می‌انگارند، بنابراین رأی یک «سیاستمدار الهی» پیروزی بر دشمن در درجه دوم اهمیت است و در درجه اول حفظ ارزش‌ها مهم است؛ ارزش‌هایی که ماندنی است، و بهترین وسیله تکامل جامعه انسانی و پرورش انسان‌های شایسته و تشکیل «حیات طیبه» است. (پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۲، ص ۴۵۸)

گرچه کسانی که نوع جهان‌بینی‌شان دنیایی است، این روش را با اصول سیاست سازگار نمی‌بینند، بلکه می‌گویند سیاستمدار ماهر آن است که از پیمان‌ها و امانت‌ها تا آن‌جا دفاع کند که به نفع او تمام می‌شود، و آن‌جا که به زیان او است باید به بهانه‌ای از عمل به تعهدات خود و امانتداری سرباز زند! حضرت در این باره می‌فرماید:

ای مردم! وفا همزاد راستگویی است؛ سپهری محکم‌تر و نگهدارنده‌تر از آن سراغ ندارم، آن کس که از وضع رستاخیز آگاه باشد، خیانت نمی‌کند. در زمانی به سر می‌بریم که بیش‌تر مردم خیانت و حيله‌گری را کیاست و عقل می‌شمارند، و نادانان آن‌ها را اهل تدبیر می‌خوانند، چگونه فکر می‌کنند؟! خداوند آن‌ها را بکشد! چه‌بسا شخصی روشن‌بین به تمام پیش‌آمدهای آینده آگاه است و طریق مکر و حيله را خوب می‌داند، ولی فرمان الهی و نهی پروردگار مانع اوست، و با این‌که قدرت بر انجام آن دارد، آن را به روشنی رها می‌سازد، ولی آن کس که از گناه و مخالفت فرمان حق پروا ندارد، از همین فرصت استفاده می‌کند. (نهج‌البلاغه با ترجمه فارسی روان، ترجمه: ص ۱۰۱) بنابراین نوع جهان‌بینی است که سیاست‌گذاری را معین می‌کند.

### آرمان و آرمان‌گرایی

آرمان به معنای آرزو، امل، امید(دهخدا، فرهنگ دهخدا، مجلس، ۱۳۲۵، ج ۱، ص ۷۶)، (معین، محمد، فرهنگ معین، نامن، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲) آرمان: کمال مطلوب، ایده‌آل، تصویری که برای ساختن جنبه‌های گوناگون زندگی مطلوب در ذهن انسان هاست. آن‌که تصویری برای ساختن جنبه‌های گوناگون زندگی مطلوب دارد؛ تصویری که عملی شدن آن‌ها معمولاً بسیار دشوار است، ایده‌آلی است. (انوری، حسن، سخن، ۱۳۸۱، ص ۸۴) سیاست: معانی مختلفی دارد که از جمله به معنای ریاست، عهده‌داری امور، مدبّر، مملکت‌داری، اصلاح امور مردم، و اداره کردن کارهای مملکت است. (لسان‌العرب ابن منظور محمد ابن مکرّم نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۱۰۶) (منجدالطلاب، اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۱۰۸)

### آرمان‌های سیاسی امیرالمؤمنین

مهم‌ترین آرمان‌های امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه عبارتند از: امنیت و اقامه حدود، برپایی عدالت و احقاق حق، و احیای سنت.

(الف) امنیت:

یکی از آرمان‌ها و اهداف امیرالمؤمنین ایجاد امنیت به معنای اعم بود. اللهم اِنِّكَ تَعْلَمُ اَنَّهُ لَمْ يَكُنْ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا التَّمَاَسَ شَيْءٌ مِنْ فَضُولِ الْخَطَامِ، وَ لَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ، وَ نُنْظِرُ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُوكَ پروردگار! تو می‌دانی آن‌چه ما انجام دادیم، نه برای این بود که مُلک و سلطنتی به‌دست آوریم و نه برای این‌که از متاع پست دنیا چیزی تهیّه کنیم، بلکه به خاطر این بود که نشانه‌های از بین رفته دینت را بازگردانیم و صلح و مسالمت را در شهرهایت آشکار سازیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در ایمنی قرار گیرند و قوانین و مقرراتی که به دست فراموشی سپرده شده، بار دیگر عملی گردد(نهج‌البلاغه با ترجمه فارسی روان، ترجمه: ص ۲۸۳) حضرت با نفی اهداف دنیایی، یکی از مهم‌ترین اهداف برای پذیرش حاکمیت را ایجاد امنیت می‌داند. امنیت خود از جهات مختلف قابل بحث است، که عبارتند از: امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی اجتماعی، امنیت قضایی، امنیت مرزی و امنیت معنوی. مولود در بخش‌هایی از حوزه‌ها موفق شدند امنیت را به‌صورت نسبی برقرار کنند؛ اما همراهی نکردن مردم از یک‌سو و نداشتن کارگزاران لایق از سوی دیگر و شورش‌های قدرت‌طلبان و دنیاگرایان از درون جامعه اسلامی مانع رسیدن حضرت به آرزوهایش در این حوزه بود.

(ب) اجرای حدود:

اجرای حدود، هدفی ابزاری برای حفظ حریم‌های الهی و ایجاد امنیت و احقاق حق و برپاداشتن عدالت است. از این‌رو حضرت آن را یکی از اهداف و وظیفه حاکمان می‌داند؛ چنان‌که در خطبه پیشین به عنوان هدف حاکمیتی ذکر نمود و در بیان دیگر، یکی از وظایف امام را اقامه حدود می‌داند: إِنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ إِلَّا... إِقَامَةُ الْحُدُودِ عَلَى مُسْتَحَقِّهَا؛ برامام و پیشوا وظیفه‌ای نیست جز اقامه حدود بر آن کس که مستحق کیفر است.(نهج‌البلاغه با ترجمه فارسی روان، ترجمه: ص ۲۳۳) چنان‌که وظیفه امام، اجرای حدود است، وظیفه آگاه‌نمودن مردم از حدود الهی را برعهده دارد: وَقَفَّكُمْ عَلَى حُدُودِ الْكَلَالِ وَالْحَرَامِ؛ و بر حدود کلال و حرام آگاهتان ساختم؟ (نهج‌البلاغه با ترجمه فارسی روان، ترجمه: ص ۱۷۱)

(ج) برپایی عدالت و احقاق حق:

یکی از مهم‌ترین اهداف سیاسی حکومتی امیرالمؤمنین، اجرای عدالت و احقاق حق است که به مالک می‌فرماید: وَلْيَكُنْ أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْ سَطَهَا فِي الْحَقِّ، وَ أَعَمَّهَا فِي الْعَدْلِ؛ باید محبوب‌ترین کارها در نزد تو میانه‌ترین آن‌ها در حق و فراگیرترین آن‌ها در عدل باشد.(بند ۲۰) وَ إِنَّ أَفْضَلَ قُوَّةٍ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ؛ برترین چیزی که موجب روشنایی چشم زمامداران می‌شود، برقراری عدالت در همه بلاد و آشکار شدن علاقه رعایا نسبت به آن هاست.(نهج‌البلاغه با ترجمه فارسی روان، نص: ص ۶۷۶) برپایی عدالت، هدف همه انبیای الهی و جزء آرمان‌هایی است که خداوند بردوش آنان نهاده است. خداوند متعال می‌فرماید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید، ۲۵)

ما رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب(آسمانی) و میزان(شناسایی حق و قوانین عادلانه) نازل کردیم، تا در میان مردم به عدالت قیام کنید. (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۳۹)

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (نساء، ۵۸) خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن برسانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، از روی عدالت داوری کنید، خداوند پند و اندرزهای خوبی به شما می‌دهد، خداوند شنوا و بیناست.

به سبب اهمیت عدالت است که حضرت هنگام بازگرداندن عطایای عثمان به بیت‌المال فرمود:

وَاللَّهِ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النَّسَاءِ، وَ مُلِكَ بِهِ الْإِمَاءُ، لَرَدَدْتُهُ؛ فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً. وَ مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ، فَالْجُورُ عَلَيْهِ أَضِيقُ.

به خدا سوگند! آن‌چه از عطایای عثمان، و آن‌چه بی‌بوهه از بیت‌المال مسلمین به این و آن بخشیده، اگر ببایم، به صاحبش باز می‌گردانم؛ گرچه زنانی را به آن کابین بسته و یا کنیزانی را با آن خریده باشند؛ زیرا عدالت، گشایش می‌آورد، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ظلم و ستم بر او گران‌تر خواهد بود!

از نگاه امیرالمؤمنین رعایت عدالت امری لازم و پایه و اساس سیاست‌گذاری در حاکمیت است که در هیچ شرایطی حاضر نیست از آن عدول کند، اگرچه باعث رنجش خواص شود یا مورد تلمیح و تهدید قرار گیرد یا به ظاهر

پیروزی در پی داشته باشد.

حضرت در موارد متعدد به بیان تهدیدهایی که نتیجه اجرای عدالت است پرداخته است، از جمله می‌فرماید: سوگند به خدا! اگر شب را بر روی خارهای «سعدان» بیدار به سر برم، و یا در غل‌ها و زنجیرها بسته و کشیده شوم، برایم محبوب‌تر است از این که خدا و رسولش را روز قیامت در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم کرده و چیزی از اموال دنیا را غصب نموده باشم. (نهج‌البلاغه با ترجمه فارسی روان، ترجمه؛ ص ۵۴۱)

و در حوزه تطمیع می‌فرماید: به خدا سوگند! اگر اقلیم‌های هفت‌گانه با آن‌چه در زیر آسمان‌هاست، به من دهند که خداوند را با گرفتن پوست جوی از دهان مورچه‌ای نافرمانی کنم، هرگز نخواهم کرد و این دنیای شما از برگ جویده‌ای که در دهان ملخی باشد، نزد من خوارتر و بی‌ارزش‌تر است.

(نهج‌البلاغه با ترجمه فارسی روان، ترجمه؛ ص ۵۴۳)

و در باره پیروزی‌هایی که با زیرپا گذاشتن عدالت به دست می‌آید می‌فرماید: آیا به من دستور می‌دهید که برای پیروزی خود، از جور و ستم، در حق کسانی که بر آن‌ها حکومت می‌کنم، استمداد جویم؟! به خدا سوگند تا عمر من باقی و شب و روز برقرار و ستارگان آسمان در پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز به چنین کاری دست نمی‌زنم. اگر اموال از خودم بود، به طور مساوی در میان آن‌ها تقسیم می‌کردم، تا چه رسد به این که این اموال خداست (و متعلق به بی‌تالمال).

(نهج‌البلاغه با ترجمه فارسی روان، ترجمه؛ ص ۲۳۳)

بنابراین اجرای عدالت و احقاق حق از محوری‌ترین اهداف امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سیاست‌گذاری حاکمیتی است و این پایبندی به سبب نوع جهان‌بینی حضرت است. ایشان هنگام توییح عثمان می‌فرماید: بهترین بندگان خدا در پیشگاه او پیشوای عادل است که خود هدایت شده و هدایت می‌نماید و بدترین مردم در پیشگاه پروردگار، پیشوای ستمگری است که خود گمراه شده و دیگران را نیز گمراه می‌کند. من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود:

«پیشوای ستمکار را روز رستاخیز حاضر می‌کنند در حالی که نه یابوری با اوست و نه عذر خواهی، او را در آتش دوزخ می‌افکنند و همچون سنگ آسیا در آتش به چرخش می‌افتد، آن‌گاه او را در قعر دوزخ به زنجیر می‌کشند. (نهج‌البلاغه با ترجمه فارسی روان، ترجمه؛ ص ۲۵۹)

(د) احیای سنن الهی و مبارزه با بدعت‌ها:

یکی از آرمان‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) مبارزه با بدعت‌ها و احیای سنن الهی است. حضرت در معرفی خود می‌فرماید:

أَنَا لِمَنْ قَوْمٌ لَا تَأْخُذُهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، سَيِّمَاهُمْ سَيِّمَةُ الصِّدِّيقِينَ، وَكَلَامُهُمْ كَلَامُ الْأَبْرَارِ، عَمَارُ اللَّيْلِ وَ مَنَارُ النَّهَارِ. مَتَمَسِّكُونَ بِحَبْلِ الْقُرْآنِ. يَحْيُونَ سُنَنَ اللَّهِ وَ سُنَنَ رَسُولٍ؛

من از کسانی هستم که در راه خدا از هیچ ملامتی هراس ندارند،

از کسانی که سیمایشان سیمای صدیقان و گفتارشان گفتار نیکان است. از کسانی که شب‌ها را با عبادت آباد می‌کنند و (در طریق هدایت مردم) روشنی‌بخش روزهایند، از کسانی که دست به ریسمان قرآن زده و سنت‌های خدا و رسولش را احیا می‌کنند. (نهج‌البلاغه با ترجمه فارسی روان، نص؛ ص ۴۷۰)

«احیای سنن خدا و سنت پیامبر»، عمل کردن به واجبات الهی که در قرآن آمده و فرایضی است که پیامبر فرض نموده؛ نه فقط عمل کردن، بلکه دعوت عامه مردم به سوی آن نیز لازم است. (پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ج ۷، ص ۵۲۴).

حضرت همچنین درباره کسانی که حرکت سیاسی حکومتی آنان از بین بردن سنت‌ها است، می‌فرماید:

بدترین مردم نزد پروردگار، پیشوای ستمگری است که خود گمراه است و مردم به وسیله او گمراه می‌شوند؛ سنت‌های مورد قبول را از بین برده و بدعت‌های متروک را زنده می‌کند. (نهج‌البلاغه با ترجمه فارسی روان، ترجمه؛ ص ۳۵۹) از این رو تمام تلاش حضرت در راستای صیانت از سنن الهی و مبارزه با بدعت‌ها در طول حاکمیتش بود.

### نتیجه

آرمان‌های سیاسی امیرالمؤمنین (علیه السلام) برگرفته از عمق معادباوری و جهان‌بینی توحیدی است و سیاست‌گذاری حضرت در طول حکومتش بر مدار تربیت انسان‌ها و نهادینه کردن ارزش‌ها بود. حرکت در راستای این اهداف بعد از بیست و پنج سال از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) که بدعت‌ها و تبعیض و دنیاگرایی در جامعه اسلامی ریشه دوانده بود، کاری سخت و دشوار بود؛ اما حضرت با بینش و درایت خاص خود، مبانی سیاست‌گذاری حاکمیت اسلامی را مشخص نمودند که عبارتند:

الف: تربیت انسان‌ها بر مدار جهان‌بینی توحیدی

ب: اجرای عدالت در تمام سطوح جامعه

ج: برقراری امنیت با همه مفاهیمش

د: صیانت از حدود الهی و دفاع از سنن الهی

### منابع

۱. قرآن
۲. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، سخن، ۱۳۸۱
۳. ابن منظور محمد ابن مکرم، لسان العرب، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵هـ، ۶
۴. متجد الطلاب، اسلامی، ۱۳۶۱
۵. دهخدا، فرهنگ دهخدا، مجلس، ۱۳۲۵، ج ۱
۶. مکارم شیرازی، نهج‌البلاغه با ترجمه فارسی روان، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۴
۷. مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶
۸. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴
۹. معین، محمد، فرهنگ معین، نامن، ۱۳۸۵

پی‌نوشت

نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۰.



از نگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام)

رعایت عدالت، پایه

سیاست‌گذاری در حاکمیت

است که در هیچ شرایطی

حاضر نیست از آن عدول

کند، اگرچه باعث رنجش

خواص شود یا مورد تطمیع

و تهدید قرار گیرد، یا به

ظاهر پیروزی در پی داشته

باشد.

